

بسم الله الرحمن الرحيم

درباره اعجاز و تحدی قرآن کریم (۱۳)

جناب آقای نیکویی

نوشته‌اید:

«جناب آقای سوزنچی، از آن جا که قرار است این قسمت آخرین سخن من باشد و پس از این دیگر گفت‌وگو با شما را ادامه نخواهم داد...»

دوست گرامی، تازه داریم با همدیگر انس می‌گیریم، چرا ادامه نمی‌دهید؟ من سعی کردم از هر چیزی که فضای ادب را در گفتگو کم رنگ کند پرهیز کنم، و حال می‌گویم که اگر جایی غفلت کردم و چیزی گفتم که شما را ناراحت کرده، از شما و همه کسانی که بحث ما را پی می‌گیرند عذرخواهی می‌کنم، و اگر این عذرخواهی مشکل را حل نمی‌کند، به شما یک پیشنهاد ساده می‌دهم و آن اینکه شاید بهتر این باشد که نظرخواهی کنیم از کسانی که بحث ما را دنبال کردند اگر عده قابل توجهی از آنها گفتند که مایل به ادامه گفتگوی ما هستند شما هم ادامه دهید تا به نظر آنها هم احترام بگذاریم.

آقای نیکویی عزیز! شما در یادداشت دهم خودتان به درستی گفتید:

«بدون تردید گفت‌وگوی حاضر سند تاریخی - علمی خوب و عبرت‌آموزی برای قضاوت معاصران و آیندگان به یادگار خواهد گذاشت، و من از این بابت بی‌نهایت خوشحالم. برویم سر اصل موضوع»

آیا مانعی دارد این سند تاریخی یادگاری را پربرتر کنیم؟ شما که بدون اینکه جواب حرف‌های من را بدهید و یک دیالوگ واقعی تشکیل دهید حرف‌های خودتان را می‌زنید و کسی مانع شما نیست، چرا ادامه نمی‌دهید؟ می‌گویید:

«چراکه به نظر من در قسمت‌های پیشین نکته اصلی در بحث تحدی قرآن مورد بحث قرار گرفت و دیگر نیازی به ادامه نمی‌بینم.»

اگر یادتان باشد من در اولین یادداشتی که قبل از شروع بحث بود نقدهایی بر مقدمه کتاب شما (نگاهی به مبانی نظری نبوت) نوشتم و شما در پاسخ و به عنوان اولین یادداشتی که فرستادید و اعلام کردید حاضر به مناظره هستید مهمترین دلیل اینکه وارد گفتگو شدید را این دانستید که احساس می‌کنید من حرف جدیدی دارم. عبارت شما این بود:

«ثالثاً (و مهمتر از همه اینکه) از نوشتارتان این گونه برداشت کردم که تقریر شما از موضوع تحدی قرآن تفاوتی با تقریرهای رایج متکلمان دارد (و همین اشتیاق مرا به گفتگو با شما بیشتر کرده است). لذا پیشنهاد می‌کنم که مستقیماً وارد بحث تحدی شویم. اگر موافق هستید حضرتعالی بحث را با تقریر خاص خودتان از آیات تحدی قرآن آغاز کنید تا از شما بیاموزم و چنانچه پرسشی داشتم مطرح کنم.»

بعد از آن گفتگوهای مقدماتی که اندکی به درازا انجامید من یک مرور سریعی به تقریرهای رایج کردم و برخی از آنها را از این صورتی که برخی مطرح می‌کنند تغییراتی دادم که آن نقص‌ها بر آنها وارد نباشد؛ و همان موقع اعلام کردم که اصل بحث من مبتنی بر دیدگاهی است که از خود آیات قرآن برمی‌آید و می‌خواهم با روش اصل موضوعی پیش بروم که شما یا حتی کسی که خدا را منکر است بتواند در بحث مشارکت کند. اما متأسفانه نه تنها به جای پاسخ به تقریرهای من از استدلالهای رایج، به سراغ فهم قبلی خودتان از آن استدلالها رفتید، و به بهانه نقل به مضمون، عملاً به سخنان من نپرداختید، بلکه از آن مهمتر، اصلاً آن بحث خاص مرا که از ابتدا علت ورود خودتان را آشنا شدن با آن بحث [و احتمالاً مناقشه در آن] معرفی کرده بودید به طور کامل نادیده گرفتید، به طوری که در این سه نوشته اخیر حتی یک کلمه درباره آن مطالبی که بنده به عنوان مدعای اصلی خودم مطرح کرده‌ام (که به نظرم ادعای اصلی خود قرآن درباره رمز تحدی است و با تقریرهای رایج تفاوت جدی دارد) سخن نگفتید. از این رو، برخلاف فرمایش اخیرتان، نکته اصلی در بحث تحدی قرآن، از جانب شما تاکنون مورد بحث قرار نگرفته است.

نکته اصلی در بحث تحدی، روش اصل موضوعی است، یعنی همان روشی که تمام بشر در فضاهای علمی در قرن بیستم با آن انس دارند، و نیز نکته اصلی در بحث تحدی این است که بینیم ادعای خود قرآن در اینکه چرا تحدی می‌کند چیست؟ و آن را بررسی و اعتبارسنجی کنیم به عنوان یک سیستم محض.

چرا ادامه ندهیم و حال آنکه نوشتید:

«خوب حالا جناب سوزنچی عزیز از شما می‌خواهم با همان روش به اصطلاح مؤلف محوری که گمان می‌کنید کلید حل همه این اشکالات و تناقض‌های قرآنی است...»

جناب نیکوئی عزیز، مگر روش مؤلف محور این است که من چیزی بگویم؟ آیا مؤلف قرآن من هستم؟! پس قبول دارید که باید بینیم خود قرآن چه می‌گوید؟ چرا چند یادداشت من در این روش را بی جواب گذاشتید؟

چرا ساده‌ترین سؤال من را که هر شخصی می‌خواهد نظر شما را بداند اصلاً جواب نمی‌دهید؟!!

آیا در بین هزاران هزار کتب موجود در تاریخ بشر، آیا کتابی سراغ دارید که مثل قرآن، حروف مقطعه داشته باشد؟

چگونه می‌خواهید به روش مؤلف محور روی آورید و جواب این سؤال ساده را نمی‌دهید؟ مؤلف قرآن روی این حروف مقطعه خیلی حساب باز کرده است، و هر چه را من توضیح دادم کلاً بایکوت کردید!

نوشته‌اید:

«دوست عزیز، چشمان خود را باز کنید و از خواب زمستانی بیدار شوید تا ببینید مردم و به‌ویژه قشر جوان و تحصیل کرده چگونه فوج فوج از اسلام خارج می‌شوند. دوران ادعاهای یک‌طرفه در کوچه‌های خلوتی که فقط خودتان بودید و عده‌ای عوام از همه‌جایی خبر گذشته است!...»

دوست عزیز، اگر اینچنین است پس چرا بحث را ادامه نمی‌دهید؟ ادامه دهید تا جوان‌های تحصیل کرده و آگاه به روش اصل موضوعی، بیشتر از اسلام خارج شوند!

جوان‌های تحصیل کرده می‌توانند سری به زندگی علمی فرانسیس گالتون بزنند و کار مهم او در مسأله اعجاب‌آور انگشت‌نگاری را ببینند؛ آیا اعجاب‌آور نیست که حتی دوقلوهای همسان هم سرانگشتان یکسان ندارند؟ حال به آیات اول سوره قیامت قرآن مراجعه کنند، آیا پیام قرآن برای آنها خیلی مبهم است؟ معروف است معما چو حل گشت آسان شود، اما قبل از حل شدن هم آسان است؟! قرآن کریم می‌فرماید: «آیا انسان گمان می‌کند ما استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟ بلی قادر هستیم که سرانگشتان او را دوباره پرداخت کنیم! لکن انسان می‌خواهد جلوی خود را باز کند و هر کار می‌خواهد بکند، پس می‌پرسد روز قیامت کی است؟» (سوره قیامت، آیات ۳-۶). انسان‌هایی که فکر آزاد از تعصب دارند را دعوت می‌کنم فکر کنند وقتی قرآن می‌خواهد بگوید «دوباره مثل اینجا زنده می‌شوید» چند گزینه جذاب از اعضای مختلف بدن دارد؟ حتی در همین انگشت دست، سه کلمه نزدیک هم هست، «اصبع» یعنی انگشت، «ظفر» یعنی ناخن، و «بنان» یعنی سرانگشت؛ اما قرآن سرانگشت را انتخاب کرده است! هر چند امروزه از روش‌های بیومتریک دیگر هم مثل اسکن عنبیه یا شبکیه استفاده می‌شود اما اینها بسیار ظریف و لطیف هستند و مثل سرانگشت نیستند که بسیار ساده به نظر می‌رسد، و قرآن سرانگشت را مطرح کرده است. تازه این تدوین از جهت حدیث است، یعنی تدوین معنایی است، یعنی در نگاه «حدیث» به تدوین تکوین، که همه می‌توانیم آن را بسادگی بفهمیم. اما از حیث تدوین نگاشتی تکوین، هیچ چیز فروگذار نمی‌شود و شگفت‌آور در قرآن کریم، تدوین نگاشتی حقائق و واقعیات است که اگر ادامه بحث دادید توضیح خواهم داد. آقای نیکویی! بگذارید جوان‌ها این‌ها را بشنوند و از دین فوج فوج خارج شوند، شما که از این ناراحت نیستید پس چرا بحث را ادامه نمی‌دهید؟

به هر حال پس از عذرخواهی مجدد، بر حسب این احتمال که اگر چیزی شما را ناراحت کرده می‌بخشید و حاضر می‌شوید بحث را ادامه دهید تا این سند تاریخی را تمام کنید، از شما درخواست می‌کنم گفتگو را متوقف نکنید و به این سؤال من جواب دهید تا بحث پیش برود:

آیا در بین هزاران هزار کتب موجود در تاریخ بشر، آیا کتابی سراغ دارید که مثل قرآن، حروف مقطعه داشته باشد؟

والسلام علی من اتبع الهدی